

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

دی ماه ۱۳۸۷ زانویه ۲۰۰۹

شماره ۲۹

toufan@toufan.org

toufan@toufan.org

فریاد خشم دانشجویان، فریاد آزادی آموزش‌هایی از مراسم ۱۶ آذر امسال در ص. ۲



دروغ‌گوییانی که میگفتند خدا هم کارگر است،

خدا را هم به مسلخ سرمایه می برند در ص. ۳

اتحادیه‌های کارگری به مثابه سرآغاز اتحاد طبقاتی در ص. ۵

گزارش مختصری از پنجمین کنگره حزب کار ترکیه EMEP در ص. ۷

گنداب انترناسیونال رویزیونیستی و سازش بر سرادامه اشغال عراق در ص. ۸

اعلامیه کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری بالکان

درمورد اعتراضات مردم یونان در ص. ۱۱



گزارشی از مراسم دهمین سال خاموشی رفیق فروتن در ص. ۱۲



سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!

فریاد خشم دانشجویان، فریاد آزادی

آموزش‌هائی از مراسم ۱۶ آذر امسال



Photo : Hossein Fatemi

FARS NEWS AGENCY

SNN

جنبش دانشجویی است. به این پیروزی ولو کوچک، باید ارج نهاد و با درس آموزی از آن به پیکار متحد علیه رژیم ادامه داد.

شکستن درب دانشگاه بدون اتحاد و اراده مشترک دانشجویان امکان پذیر نبود. دانشجویان در ۱۶ آذر امسال برعکس سال‌های قبل متحد و هوشیارانه تر عمل کردند، از حمل باندروال‌های انحرافی به ظاهر چپ و کمونیستی و شعارهای زودرس و احساسی که بیشتر جنبه تبلیغی برای رادیو تلویزیون‌های لوس آنجلسی و برون مرزی دارد، پرهیز نمودند و این خود نشان از بلوغ سیاسی و آگاهی و درس آموزی از انحرافات گذشته است که زخمهای هنوز زبر پیکر جنبش نوپای دانشجویی التیام نیافته است. اجتناب از علنی گرائی و تلفیق فعالیت علنی با کارمخفی و حفظ رهبران آگاه دانشجویی بعنوان هسته‌های مخفی سازمانده و پیوند این جنبش با جنبش کارگری آن کلید اصلی است که باید همواره بر آن تأکید گردد و در صورت تحقق آن پیروزی‌های بزرگی برای دانشجویان به ارمغان خواهد آورد.

از منظر تاریخی مبارزه دانشجویان در ۱۶ آذر در ایران در زمان شاه که در اعتراض به ورود نیکسون به ایران صورت گرفت مبارزه دانشجویان کمونیست بود تا پیوند خویش را با خلق ایران علیه امپریالیسم و احترام خویش را نسبت به جنبش کمونیستی ایران و به زحمتکشان نشان دهند. این سنت انقلابی تا به امروز باقی مانده است و الهامبخش مبارزات دانشجویان ایران است. این نیرو را طبیعتاً باید به سمت همکاری و تقویت جنبش کارگری سوق داد. عناصر آگاه باید ایده کمونیسم را به میان کارگران ببرند و با جنبش کارگری پیوند بخورند. حزب طبقه کارگر نیز بیان نیروی آگاه طبقه کارگر است که در تشکل خویش متشکل شده است. آنها که با پیوند دانشجویان و کارگران مخالفند در عمل با حزب طبقه کارگر نیز مخالفند زیرا با آگاهی و دانش بشری مخالفند و به دنبال حرکت‌های کور و بی دورنما می‌روند. آنها

امسال نیز ۱۶ آذر، روز پیکار متحد دانشجویان علیه استبداد و امپریالیسم علیرغم حضور گسترده نیروهای انتظامی و فضای سرکوب و اختناق و حضور باندهای بسیجی وده‌ها گروه‌های مشکوک و شبه فاشیست حامی رژیم جمهوری اسلامی با موفقیت برگزار گردید. قرار بر این بود که علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی با برنامه‌ای از پیش تدارک دیده شده، به دانشگاه تهران آمده و با بسیج نیروهای پاسدار نظام و فرق کردن دانشگاه این سنگر آزادیخواهی و این روز تاریخی که مظهر مبارزه ضد استبدادی و ضد امپریالیستی است را تحت کنترل خویش گیرد. لیکن انصراف علی خامنه‌ای و لغو سخنرانی وی در صحن دانشگاه چیزی جز نشان از ترس و وحشت رژیم از دانشجویان مبارز نبوده است. رژیم به خوبی آگاهست که نه تنها در میان خیل عظیم توده دانشجویان پایگاهی ندارد بلکه برعکس مورد تنفر عموم دانشجویان نیز میباشد. دانشجویان پس مانده بسیجی و مزدور، نیروئی در مقابل موج عظیم دختران و پسران دانشجو در سراسر ایران نیستند. **صدای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر احمدی نژاد، عامل تبعیض و فساد ، سید علی پینوشه ، ایران شیلی نمیشه ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، تفکیک جنسیتی ملغی باید گردد، آزادی بیان و عقیده، آزادی پوشش و... که در صحن دانشگاه طنین انداخت بازتابی از تنفر عمومی مردم نسبت به رژیم جمهوری اسلامی است که توسط هزاران دانشجو در دانشگاه تهران فریاد زده شد. در دانشگاه‌های شیراز و بابل و چند شهر دیگر نیز دانشجویان با فریاد **مرگ بردیکتاتور و دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد....** و ده‌ها شعار دمکراتیک دیگر خشم و نفرت خود را از رژیم ارتجاعی و تاریک اندیش جمهوری اسلامی ابراز داشتند.**

بی شک لغو برنامه رژیم و انصراف علی خامنه‌ای برای حضور در دانشگاه تهران در روز شنبه ۱۷ آذر یک شکست برای جنایتکاران حاکم و یک پیروزی برای

درس‌های مهمی است که باید بر آنها تعمق بیشتری کرد. **طرح شعارهای عام دمکراتیک در راستای تحقق منافع عام توده دانشجو و ضرورت اتحاد و متشکل شدن در سازمانی مستقل و سراسری از نکات برجسته اعتراضات امسال ۱۶ آذر بود.** رمز موفقیت نسبی اعتراضات دانشجویی امسال را باید در اتحاد دانشجویان و اجتناب از طرح شعارهای سکتاریستی و زودرس دید. **طرد جریان‌های فرقه‌ای و "هل من مبارزه طلب شبه ترسکیست"** که قصد تخریب در جنبش دانشجویی را دارند از جمله وظایف مهم دانشجویان انقلابی و مارکسیست لنینیست است. ضربات سال گذشته بر پیکر جنبش دانشجویی زنگ خطری بود که می‌بایست از آن آموخت و اشتباهات گذشته را تکرار ننمود. **تجمعات موفقیت آمیز امسال دانشجویان نشان از درس آموزی از کجروی‌ها و شکست‌های سال گذشته است.**

دانشجویان موظفند با حزم و احتیاط و پنهان کاری در مقابل سیستم پلیسی به سازماندهی مستقل خود بپردازند و به طور متحد و یکپارچه و در اتحاد با کارگران و سایر اقشار زحمتکش جامعه، رژیم تاریک اندیش و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را به چالش گیرند. تنها در این صورت است که دانشجویان می‌توانند رسالت خویش را در پیکار ضد استبدادی و ضد امپریالیستی که سنت روز دانشجو، ۱۶ آذر است ایفا نمایند.

گمراهانی هستند که با پوشیدن لباس کارگری به تن، به مقابله با جنبش کارگری می‌روند و طبقه کارگر را بدون رهنما می‌گذارند.

در تجمعات امسال نیز هم چون سال‌های گذشته شعارهایی نظیر **پیوند دانشجویان با کارگران و یا جنبش دانشجویی از جنبش کارگری حمایت میکند** به چشم می‌خورد. این شعارها بیانگر آن است که جنبش دانشجویی تنها با پیوند با مبارزه طبقه کارگر موثر و مداومت دارد و می‌تواند برای جامعه مثمر ثمر باشد. پس در جنبش دانشجویی نیز یک مبارزه بی‌امان در جریان است و طبقات متفاوت و متخاصم اجتماع تلاش می‌کنند که دانشجویان را به عنوان نیروهائی که می‌توانند در خدمت بشریت و نیروهای انقلابی قرار گیرند به سمت خود جلب نمایند.

شعار پیوند دانشجویان و کارگران با این هدف صورت می‌گیرد که دانشجویان را به سمتی جلب کرد تا آنها تمام امکانات و توانائی‌های فکری و ذهنی خویش را در خدمت حقانیت مبارزه طبقه کارگر قرار دهند. این شعار یک شعار مترقی است و کمونیست‌ها و عدالت خواهان و انسان دوستان باید از این شعار حمایت کنند.

نتیجه این که تجمعات شکوهمند اعتراضی شانزده آذر امسال علیرغم ضعف‌ها و نارسائی‌ها در امر سازماندهی و فقدان طرح و برنامه دراز مدت اما حامل

* * * * *

دروغ‌گوییانی که می‌گفتند خدا هم کارگر است،

خدا را هم به مسلخ سرمایه می‌برند

آنها که اسلام را حامی مستضعفان معرفی می‌کردند و مدعی بودند پیامبر اکرم بر دستان کارگر بوسه زد و وعده تحقق جامعه قسط و مساوات می‌دادند و در نماز جمعه‌ها از عدالت اجتماعی دم می‌زدند، امروز به عنوان پدر خوانده‌های باندهای مافیائی به چنان غارت و چپاول بی‌در و پیکری پرداخته‌اند که روی سرمایه‌داری متعارف سایر کشورهای بورژوائی را هم سفید کرده‌اند.

واقعیت چهره این فقها و آیات عظام و علمای اعلام را می‌توان در لابلای اعترافات ابوالقاسم سرحدی زاده در گفتگوی با ایلنا در تاریخ ۲۰ آذر ماه ۱۳۸۷ بهتر مشاهده کرد.

ابوالقاسم سرحدی زاده در مورد مخالفت شورای نگهبان با پیش نویس قانون کار سال ۶۹ می‌گوید: «یکی از ایرادها این بود که دولت حق مداخله در روابط کارگران و کارفرمایان را ندارد و رابطه کارگران و کارفرمایان در کارخانجات نیز باید مانند روابط کشاورزان و زمین‌داران، بر مبنای اجیری تنظیم شود.»

زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهائی بشریت!

او اضافه می کند: « فراموش نکنیم در منابع فقهی، شرایطی که برای اجیر کردن حیوان مشخص شده است. هنوز از نظر رعایت عدالت بسیار ایده آل است. به عنوان نمونه، شما اگر بخواهید یک حیوان را به کار گیرید، نباید بار زیاد و یا کار سخت را به آن تحمیل کنید، حق ندارید به آن آزار برسانید و هم چنین مستحب است قبل از آن که غذا بخورید، ابتدا به حیوان غذا بدهید. »

سرحدی زاده در پاسخ خبرنگار که می پرسد آیا با همین استدلال با مخالفان قانون کار در شورای نگهبان صحبت می کردید؟ می گوید: « بله، با همین استدلال با آنها صحبت می کردم. »

او می گوید: « پیش نویسی از این قانون را در اختیار دفتر امام (ره)، آیت الله خامنه‌ای در نهاد ریاست جمهوری، آیت الله رفسنجانی در مجلس شورای اسلامی و آیت الله صافی گلپایگانی در شورای نگهبان قانون اساسی گذاشته شد تا در مورد آن اظهار نظر کنند، اما به غیر از آقای گلپایگانی که ابتدا به صورت شفاهی نظر مثبت خود را اعلام کرد و بعداً موضع مخالف را اتخاذ کرد، بقیه آقایان پاسخی ندادند. »

سرحدی زاده در ادامه می گوید: « احساس کردم ادامه اختلاف بر سر قانون کار تبعاتی داشته باشد. » و در پاسخ خبرنگار که می خواهد در مورد این تبعات بیشتر توضیح دهد،

می گوید: « در آن زمان هنوز جنگ ادامه داشت و شرایط خاصی بر کشور حاکم بود. از سوی دیگر در محیط‌های کار، امکان نفوذ کمونیست‌ها و گروه‌های ضد انقلاب وجود داشت. اگر این اختلافات ادامه پیدا می کرد ممکن بود اتفاقاتی در محیط کار به وجود آید. »

سرحدی زاده اضافه می کند: « در واقع چون کارگران و افکار عمومی در آن شرایط حساس انتظار یک قانون مترقی را داشتند، سعی ما بر این بود تا حداقل ابتدا کلیات یک قانون کار ایده آل را تصویب کنیم و سپس در فرصت بعدی به تکمیل نواقص احتمالی بپردازیم. »

و در مورد نواقص این قانون به طور نمونه می گوید: « نواقص وجود دارد و نمونه دیگر بسته بودن دست کارفرماها در اخراج کارگری و خاتمه قرارداد است. »

هم چنان که مشاهده می کنید نگاه حضرات به کارگر نگاهی است که به یک برده دارند که حتی به قول سرحدی زاده از حقوق یک حیوان هم برخوردار نیست و تصویب قانون کار بنا به مصلحت و وجود شرایط حساس و در واقع به لحاظ ترس از نفوذ کمونیست‌ها و انتظارات کارگران و افکار عمومی بوده است و حالا که شرایط تغییر کرده، می توان دست کارفرما را در اخراج کارگر باز گذاشت. می توان با حذف کارگاه‌های کمتر از ده نفر از شمول قانون کار و استخدام موقت، بیش از هشتاد درصد از کارگران را، بدون هیچ حمایت قانونی، در کام گرگان سرمایه‌دار، رها کرد و می توان شرایطی فراهم کرد که شش ماه، شش ماه حقوق کارگر را پرداخت نکنند و در یک کلام می توان آنها را به بردگی کشید.

در یکسال گذشته مطابق آمار دولتی ۱۲ مورد تهاجم به جمعاعات کارگری؛ ۲۰۴ مورد بازداشت کارگران؛ ۳۴۸۰۰ مورد اخراج از کار؛ ۶۸ مورد احضار به دادگاه؛ ۱۲ مورد محکومیت و ۶۶۸۵۹ مورد عدم پرداخت حقوق گزارش شده است که گوشه‌هایی از عدالت خواهی و مهرورزی نظام الهی جمهوری اسلامی است.

سندیکای کارگران شرکت واحد در آخرین اعلامیه خود به تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۷۸ وضعیت فعالین سندیکائی شرکت واحد را چنین توصیف میکند: « در طول این چند سال صدها نفر از کارگران سندیکائی زندانی و بسیاری از این کارگران در داسراهای انقلاب پرونده‌های مفتوح دارند، ده‌ها نفر از این کارگران علاوه بر این که از نعمت کار محروم می باشند احکام زندان را نیز در پرونده خود می بینند و رئیس هیئت مدیره این تشکل مستقل کارگری بدون هیچ گونه مدرک قانونی در بدترین شرایط جسمانی در زندان بسر می برد. »

و در مورد وضعیت کلی کارگران چنین می نویسند: « جنبش کارگری ایران از طریق دولت هر روز بیشتر از روز قبل زیر فشار و ضرب است. میلیون‌ها کارگر حقوقشان را دریافت نکرده‌اند، میلیون‌ها کارگر بیکار هستند، اقلیت‌های قومی و مذهبی از تبعیض در محیط کار در رنج هستند و مهم‌تر از همه تشکل مستقلی که بتواند این میلیون‌ها کارگر را نمایندگی کند وجود ندارد. »

در ۱۵ آذر ۱۳۸۷، ۵ تن از فعالین سندیکای تازه تأسیس نیشکر هفت تپه که عبارتند از آقایان علی نجاتی، فریدون نیکو فرد، رمضان علی پور، محمد حیدری مهر و جلیل احمدی به دلیل درخواست حقوق معوقه خود که در موافقی تا چند ماه به تعویق افتاده بود، بعد از دستگیری‌های گذشته و بد رفتاری‌های بازجویان وزارت اطلاعات، مجدداً به دادگاه احضار شده‌اند. این فشارها و اجحافات در حالی صورت می گیرد که کارگران نیشکر هفت تپه هنوز حقوق آبان ماه خود را دریافت

نکرده‌اند و این مسئله باعث ایجاد فشار مضاعف معیشتی به خود و خانواده شان گردیده است. اتهام این فعالین سندیکائی تبلیغ علیه نظام است.

روز شنبه ۲۳ آذر ۱۳۸۷ تعدادی از نمایندگان کارگران کیان تایر به اداره اطلاعات شعبه اسلام شهر احضار می شوند.

علت احضار این کارگران تلاشی است که آنها در جهت اتحاد و همبستگی کارگران این واحد و اقدام در جهت کسب حقوق معوقه خود و مخالفت با تعطیل کارخانه پس از خصوصی سازی آن، انجام داده‌اند.

کارگران کیان تایر با تشکیل مجمع عمومی در محل کارخانه، ضمن حمایت از نمایندگان خود و در اعتراض به عدم تحقق خواست‌هایشان و وعده‌های داده شده مقامات دولتی تصمیم به تجمع در نزدیکی بخشداری چهاردانکه می گیرند و در آنجا توسط مسئولین بخشداری به مسئولین و مقامات دولتی هشدار می دهند که در صورت عملی نشدن وعده‌های داده شده تا روز سه شنبه ۲۶ آذر ماه اقدام به تجمع و بستن جاده ساوه خواهند کرد.

پاسخ "نظام مهر ورز و عدالت گستر" جمهوری اسلامی به خواسته‌های به حق و انسانی کارگران و زحمتکشان آن چنان که تا به حال نشان داده، با گلوه (کشتن کارگران در خاتون آباد)، اعدام فعالین سندیکائی (در سال ۶۷)، زبان بریدن و زندان و شکنجه و اخراج است.

تنها راه مقابله و مبارزه با اجحافات ضد انسانی و ضد کارگری نظام فاسد سرمایه‌داری و مافیائی جمهوری اسلامی در اتحاد و همبستگی است. تا وقتی کارگران و زحمتکشان تشکیلات نداشته باشند، در بر همین پاشنه می چرخد. بی دلیل نیست که آنها از سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگری مثل جن از بسم اله می ترسند و چنین جنون آمیز و هیستریک و جنایتکارانه با هر فعال سندیکائی برخورد می کنند. امروز وظیفه مقدس و اولیه و واجب همه کارگران و زحمتکشان آگاه و همه انسان‌های آزادیخواه و مبارز و مترقی جامعه ما کمک به این امر حیاتی است.

ما ضمن محکوم کردن محاکمه کارگران نیشکر هفت تپه و احضار کارگران کیان تایر و ابراز انزجار از همه تضییقات و اجحافات که به کارگران و زحمتکشان می شود خواستار حمایت و همبستگی هرچه بیشتر همه انسان‌های آزادیخواه و مترقی و مردمی از مبارزات کارگران شریف و مبارز نیشکر هفت تپه و کیان تایر هستیم.

* * * * *

اتحادیه‌های کارگری به مثابه سرآغاز اتحاد طبقاتی

مبارزات کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و به طور خلاصه کلیه اقشار و طبقات زحمتکش به ویژه در چند ماهه اخیر که به صورت اعتصابات، اعتراضات، راه پیمایی، راه بندان‌ها و اجتماع در برابر مجلس، دادگستری، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و غیره تجلی داشته، رو به افزایش است. امری که از طرفی حاکی از گرانی سرسام آور و وخیم تر شدن وضع معیشتی طبقات و اقشار کم درآمد و از طرف دیگر بازگو کننده ماهیت سرکوبگرانه و غارتگرانه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است، که اساس و بنیان نظامش بر ظلم و زور و تبعیض و چپاول و جنایت بنا گشته است.

هر چه عمیق تر و با ژرفای وسیع تر بدین مبارزات صنفی سیاسی اقشار مردم به ویژه کارگران در ایران نظر می افکنیم، به ضرورت و حقانیت هر چه بیشتر تشکل‌های کارگری به مثابه اتحاد مقدماتی طبقاتی کارگران بیشتر پی خواهیم برد. پی خواهیم برد که اصولاً و اساساً چرا سیاست‌های خانمان برانداز اقتصادی نهادهای انحصارات امپریالیستی چون سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول که در واقع زمینه‌های تخریب کشاورزی و صنایع داخلی کشورهای توسعه نیافته (عقب نگه داشته شده) را سبب گردیده، و اکنون با تحمیل تزریق این گونه سیاست های فلاکت بار چون حذف تعرفه‌های گمرکی و حذف سوبسیدها که از دستورالعمل‌های سیاست جنایتکارانه خصوصی سازی و در عین حال یکی از شروط مهم و خانمانسوز کشورهای متروپل جهت سرمایه گذاری در ممالک توسعه نیافته می باشد، به یکی از موانع اصلی

مبارزه دموکراتیک جزء ناگسستنی مبارزه ضد امپریالیستی است

درمقابل تشکیل اتحادیه و سندیکاهای واقعی و مستقل کارگری تبدیل گردیده است. بدون شک مبارزات طبقه کارگر در جوامع طبقاتی پایان پذیر نیست و خواهد بود. و تا زمانی که کارگران قادر نشوند در یک اتحاد طبقاتی با دیگر زحمتکشان از طریق تصرف قدرت سیاسی زمام امور اداره جامعه و روند تولید و توزیع را در تسلط خویش گیرند، این در بر همان پاشنه‌ای خواهد چرخید که تاکنون چرخیده است.

لنینیسم به مثابه قانون همگانی و عمومی پراکتیک مبارزه طبقاتی نیروی رنج و کار، و بلشویسم به مثابه تجربه ارزشمند نهضت‌های کارگری به ما می آموزند؛ اتحادیه‌های مستقل حرفه‌ای در ابتدای تکامل سرمایه‌داری برای طبقه کارگر پیشرفت عظیمی بوده و خواهد بود. چرا که این اتحادیه‌ها قادرند چون سلسله حلقه‌های زنجیر سرآغاز اتحاد طبقاتی کارگران از حالت پراکندگی و ناتوانی آنان در امر مبارزه علیه کارفرمایان باشند.

تجربه مبارزات کارگران به ما می آموزد که کارگران می باید بر اساس استفاده سودمند از ابزارهای موجود در جامعه، سلاح مبارزاتی خویش علیه سرمایه را حدادی نمایند، تا قادر گردند در سرانجام نبرد طبقاتی تحت رهبری حزب طبقه خویش دژ اهریمنی نظام سرمایه‌داری را به زیر کشند و خود بر مسند قدرت قرار گیرند. و نه برعکس با خیال پردازی‌های چپ روانه و کودکانه و آنهم تنها در رویاهای غیر قابل تحقق خویش، با شعارهای غیر واقعی چون "تصرف کارخانه"، "لغو کارمزدی" و ... که عمدتاً توسط چپ‌نماهای ماجراجو تجویز و تبلیغ می شود، خود را هر چه بیشتر در دام گسترده دژ سرمایه اسیر و بدین ترتیب نا خواسته بر عمر نظام غارتگر سرمایه‌داری بیافزایند.

در شرایط تسلط نظام سرمایه‌داری هر گونه تفکری که به منظور جلوگیری از تشکیل اتحادیه واقعی و مستقل کارگری به کارگران تجویز گردد، نه تنها انقلابی نیست بلکه در راستای خدمت به نظام سرمایه‌داری است. چنین تفکری که به بهانه "ارتجاعی" بودن اتحادیه‌های کارگری، کارگران را از تشکیل اتحاد مقدماتی طبقاتی خویش محروم می گردانند و حتماً یک "اتحادیه کارگری" کاملاً شسته و رفته و کاملاً تر و تازه‌ای که توسط کمونیست‌های بسیار نازنین و آن هم از نوع جوان آن را تجویز می کنند، نه تنها درک درستی از مکانیسم دیالکتیک مبارزه طبقاتی ندارند بلکه با عبارت پردازی‌های کودکانه و آنارشستی خود، فقط و فقط فضا را بیشتر آلوده ساخته و موجب مشوب کردن هر چه بیشتر افکار می گردند، و در واقع کارگران را بدنبال "نخود سیاه" تشکیل شوراهای من درآوردی کارگری روانه می گردانند.

لنینیسم می آموزد که نمی توان ساختمان سوسیالیسم را با مصالح پندار آمیز و یا آن مصالح انسانی که خودمان ایجاد کرده‌ایم ساخت، بلکه باید با آن مصالحی آغاز نمائیم که جامعه سرمایه‌داری بر ایمان به میراث گذارده است. بدیهی است انجام این مهم بسیار دشوار به نظر می آید، ولی هر نوع شیوه برخورد دیگری نسبت به آن به حدی سبک مغزانه است که به قول لنین حتی قابل بحث هم نخواهد بود.

تجربه و پراکتیک زندگی روزمره اتحادیه‌های کارگری به ما می آموزد که: « در هیچ جای جهان تکامل پرولتاریا جز از طریق اتحادیه‌ها و همکاری متقابل آنان با حزب طبقه کارگر انجام نگرفته است و نمی توانست انجام گیرد. تصرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا گام عظیمی است که پرولتاریا به مثابه یک طبقه، به پیش بر می دارد و حزب سیاسی این طبقه باید به شیوه‌ای نوین، اتحادیه‌ها را تربیت نماید و آنها را رهبری کند. ولی در عین حال نباید فراموش نماید که اتحادیه‌ها کماکان به عنوان "مکتب کمونیسم" و آن هم مکتب ضروری و مقدماتی برای عملی ساختن دیکتاتوری پرولتاریا (عالی ترین دمکراسی توده‌ای) به دست خود آنان و نیز به عنوان اتحاد ضروری کارگران جهت انتقال تدریجی زمام کلیه امور اقتصاد به دست طبقه کارگر و سپس به دست تمام زحمتکشان باقی بوده و برای مدتی مدید باقی خواهد ماند. » (لنین- بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم)

در واقع دارندگان چنین تفکری که چنین شعارهای غیر واقعی و آنارشستی را برای کارگران ترویج و تبلیغ می نمایند و در صددند کارگران را از سلاح واقعی خویش بر حذر دارند، نه تنها بین خود و کارگران حصار می کشند بلکه در روند مبارزه طبقاتی پرولتاریا اغتشاش و سردرگمی ایجاد می کنند و بدین وسیله جز بر عمر رژیم سرمایه‌داری افزودن کار دیگری از این جماعت حاصل نخواهد آمد.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

گزارش مختصری از پنجمین کنگره حزب کار ترکیه EMEP



در تاریخ ۲۳ نوامبر ۲۰۰۸ پنجمین کنگره حزب کار ترکیه تحت شعارهای "اتحاد دمکراتیک جهت استقرار حاکمیت مردمی"، "علیه تهاجم سرمایه امپریالیستی متحد شویم" در شهر آنکارا برگزار گردید. هیئت نمایندگی حزب کار ایران (توفان) نیز به همراه نمایندگان دهها احزاب و سازمانهای انقلابی و کمونیستی در این کنگره شرکت داشت. هزاران تن از اعضای و هواداران حزب کار ترکیه از نخستین ساعات روز ۲۳ نوامبر از مرکز شهر به سوی سالن کنگره با پرچمهای سرخ راهپیمایی باشکوهی راه انداختند. برخی از شعارهایی که روی پلاکاردها و پرچمها به چشم می خورد بدین قرار بودند: "کار، نان، آزادی. مرگ برفاشیسم! آزادی برای خلقها!، زنده باد انقلاب! زنده باد سوسیالیسم! آینده از آن جوانان و آینده هم سوسیالیسم است". زنده باد برابری و برادری خلقها!....

کنگره با حضور قریب به ۴۵۰۰ نفر از اعضای و کادرهای حزب و هم چنین نمایندگان سازمانها، سندیکاهای کارگری با یک دقیقه سکوت به خاطر جانباختگان سوسیالیسم و آزادی و با سرود انترناسیونال آغاز گردید. به دنبال دکلماسیون مانیفست حزب کمونیست که توسط دو هنرمند صدا اجرا گردید همراه با "سینه و یزیون" که روی پرده نوشته شده بود: "شبحی در اروپا درگشت و گذار است، شبح کمونیسم"، با نشان دادن تظاهرات کارگران و عکس‌هایی از مارکس، انگلس، لنین و استالین.

به عنوان پیش مقدمه، رهبر حزب به سخنرانی پرداخت. وی تحلیل جامع و همه جانبه‌ای از اوضاع کنونی جهان، منطقه و ترکیه ارائه نمود. وی بیان داشت مانیفست کمونیست بعد از گذشت ۱۶۰ سال کماکان راه طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده را به ما نشان میدهد. رفیق لوند توزال رهبر حزب کار ترکیه با تکیه به این که بدون سرنگونی سرمایه‌داری آرامشی برای خلقها، خلق نخواهد شد گفت: « بحران‌های سیستم سرمایه‌داری از دید طبقه کارگر، سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها شگفت آور نیست. برعکس، این بحران دیری است که در انتظارش بودیم و برای زحمتکشان کشورها و جهان بسیار آموزنده است. این بحران کنکاش‌ها و چالش‌های نوینی به همراه آورده است. گفتمان "پایان تاریخ" به عنوان سیستم سرمایه‌داری با لرزه‌های عمیقی روبرو شده است و در مرکز این لرزه، آمریکا قرار دارد. سیستم سرمایه‌داری به علت تولید بدون برنامه و بیش از نیاز و کسب حداکثر سود با این بحران روبرو شده است. حالا سرمایه‌داران کلان در این فکرند که چگونه این زخمها را التیام بخشند. « رهبر حزب در ادامه سخنانش گفت: « حزب عدالت و توسعه که زمام امور کشور را در دست دارد با طرح یک برنامه ۸۳ ماده‌ای در نظر دارد کلیه امتیازات را در اختیار صاحبان سرمایه قرار دهد و بار بحران را به دوش زحمتکشان بیاندازد. افزایش قیمت برق، گاز و نیرو بخش‌های از این تلاش به شمار میرود. ما باید مبارزه متحدانه‌ای علیه فرصت طلبان و حامیان سرمایه سازمان دهیم. ما نظاره گر این روند سیاسی خواهیم بود و به رهبری طبقه کارگر پیکاری جانانه علیه تهاجمات امپریالیسم و سرمایه‌داری و فرصت طلبان سامان خواهیم داد. ما همراه با تمامی نیروهایی که بر علیه اخراج سازی‌های کارگران، افزایش قیمت‌ها، مرخصی‌های بدون حقوق، دلالان، خصوصی سازی‌ها و حامیان زر و زور و استثمار، متحد عمل خواهیم کرد. »

رهبر حزب هم چنین به مسائل مهم بین المللی و منطقه و به طور مشخص مسئله کردها پرداخت و در مورد رژیم بورژوازی ترکیه چنین گفت: « ذهنیتی که در حکومت است ذهنیت نفی و انکار ملل یا خلقها در ترکیه می باشد. نخست وزیر کشور، ردونمان گفته است که کسانی که "یک ملت، یک زبان و یک پرچم را در ترکیه قبول نداشته باشند به کشور

بیگانه تعلق دارند. چنین سخنانی همواره از جانب نمایندگان مجلس و دولت به طور مدام تکرار میشود، این در صورتی است که تاکنون هیچ پاسخ مشخصی برای حل مسئله ملی و پایان جنگ و برادرکشی ارائه نداده‌اند. راه حل نهایی خروج از این بحران موجود و اوضاع اسفناک کنونی سرنگونی این حکومت توسط کارگران و زحمتکشانش است. »

در پایان پس از قرائت پیام حزب کارایران (توفان)، شعار "آمریکا گورت را از منطقه گم کن" طنین انداخت و نمایندگان حزب ما مورد تشویق پرشکوه شرکت کنندگان درکنگره قرار گرفتند. کنگره بعد از دو روز با موفقیت به کار خود پایان داد.

شعارهایی که در کنگره و سپس در راهپیمایی از سوی شرکت کنندگان فریاد زده شد بدین قرار بودند:

طبقه کارگر با حزب‌اش و حزب با طبقه کارگر نیرومند است

سرمایه به گورستان، حاصل دسترنج به حکومت

زنان به حزب، حزب به سوی قدرت سیاسی

کارگران به حزب، حزب به سوی قدرت سیاسی

کار، نان، آزادی

صلح و برابری خلق‌ها برپایه برادری جهت حل دموکراتیک مسئله ملی خلق کرد

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری

زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم

آینده از آن جوانان است و آینده هم سوسیالیسم است.

گنداب انترناسیونال رویونیستی و سازش بر سر ادامه اشغال عراق

سندی را که در زیر ملاحظه می کنید نوشته "سعاد خیری" همسر یکی از رهبران قدیمی و اولیه حزب کمونیست عراق است که در تارنمای عربی زبان قاسیون انتشار یافته و توسط رفیق احمد مزارعی ترجمه گردیده است. در این سند، سعاد خیری به درستی با اشاره به خط و مشی اولیه حزب کمونیست عراق که جهت گیری روشن و شفاف ضد امپریالیستی و ضد استعماری داشته و پیگیرانه از منافع ملت عراق و حقوق کارگران و زحمتکشانش دفاع می نمود، رهبری کنونی "حزب کمونیست عراق" (حزب برادر توده ایران) را به عنوان جریان خیانت پیشه‌ای که تبدیل به کالای ارزان بورس نیویورک و لندن شده و همراه با مشتی خود فروخته ناسیونال شوونیست کرد و جریانات ارتجاعی و ضد ملی شیعه و سنی که با امضای قرارداد ننگین و استعماری با آمریکا، موجب تسلط امپریالیسم و غارت و چپاول ثروت‌های ملی و سلطه سیاسی - نظامی بر عراق گردیده است را به شدت محکوم میکند. وی به درستی تأکید میکند که خیانت رهبری رویونیست "حزب کمونیست" عراق، خیانتی دوچندان بیشتر از خیانت افرادی نظیر "نوری سعیدها" است، خیانت به طبقه کارگر، خیانت به اصول میهن دوستی کمونیستی که هیچ قربانی با مارکسیسم ندارد بلکه لکه ننگی در تاریخ معاصر سیاسی کشور عراق است.

جالب توجه این که این سند در شرایطی انتشار یافته که در دهمین نشست احزاب رویونیستی در برزیل در اواخر ماه نوامبر امسال حزب "کمونیست" عراق و توده ایران نیز حضور داشته و قطعنامه این نشست در مورد "تهدیدهای امپریالیسم و برای صلح و دموکراسی" در خاورمیانه و ایران که با امضای ۶۰ حزب رنگارنگ از جمله حزب رویونیست عراق به تصویب رسید، بجز اشاره عام به حضور امپریالیسم آمریکا در منطقه و اشغال نظامی عراق و "طرح خاورمیانه بزرگ" ... سخنی از وضعیت مشخص عراق، توافقنامه امنیتی دولت نشاندۀ عراق با نیروهای متجاوز امپریالیستی و استعماری به سرکردگی آمریکا، مبارزات ضد استعماری و قهرمانانه مردم عراق نرفته است. این خود نشان از ماهیت اپورتونیستی این احزاب است که سال‌هاست به چاه رویونیسم سقوط کرده و به مارکسیسم لنینیسم خیانت کرده‌اند. سکوت بیش‌مانه این احزاب در مورد توافقنامه امنیتی دولت ضد ملی عراق با امپریالیسم آمریکا تلاشی مذبحانه برای مشروعیت بخشیدن به ادامه غارت و اشغال کشور عراق است. حمایت از

حزب رویزیونیست عراق و سازش و قبحانه بر سرتوافقنامه امنیتی و پرهیز از طرح خواست فوری خروج بی قید و شرط قوای اشغالگر از خاک عراق، عملاً به معنی حمایت از سیاست خائنانه علیه منافع ملی خلق عراق و خلق‌های منطقه است.

حزب توده ایران که در همدستی با خمینی، هادی غفاری، خلخالی و..... همه مبارزان ایرانی را عامل امپریالیسم آمریکا خطاب میکرد و آنها را لو میداد امروز در عراق به مدافع بی برو برگرد امپریالیسم آمریکا بدل شده و در ایران و منطقه به جعل تاریخ پرداخته است. تنها کفایت به گزارش اخیر پلنوم وسیع این حزب نظر افکنید تا پی ببرید که چگونه این حزب رویزیونیست خیانت پیشه با صدور پیام‌های رنگارنگ سیاسی و سیاه کردن صفحات کاغذ اما از طرح مسئله توافقنامه امنیتی دولت مزدور عراق و امپریالیسم آمریکا اجتناب کرده و از کنار چنین مسئله پر اهمیتی به سادگی گذشته است. حزب ما همواره گفته و باز هم تکرار میکند که رویزیونیسم همدست امپریالیسم است و سرنوشت حزب رویزیونیست عراق و حزب توده ایران از مصادیق بارز این پیشگوئی است.

«.....برخورد به ماهیت قرار داد امنیتی، ماهیت گروه‌های "چپ" را افشاء خواهد کرد. برای ما روشن است که ناسیونال شونیست‌های گرد از هر قماش که باشند از محکوم کردن این قرارداد طفره میروند و خواهان خروج اشغالگران از خاک عراق نیستند، زیرا به نظر آنها منافع گردها در سایه امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها تأمین شده است. شعار آنها این است: گور پدر سایر مردم منطقه.

برخورد به قرارداد امنیتی مجدداً ملاکی برای تشخیص نیروهای انقلابی و ضد انقلابی در منطقه است و ما همه دموکرات‌ها، سیاسیون، انقلابیون و... فرا می خوانیم که موضعگیری اپوزیسیون ایران را زیر ذره بین بگیرند، از آنها بخواهند که اظهار نظر کرده و آنها را به زیر صلابه انتقاد بکشند. این دقت نظر از هم اکنون راه ساختمان آینده ایران را بنا می نهد. « (قطعنامه مصوب پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کار ایران (توفان) بعد از کنگره سوم مورخ ۲۰۰۸/۱۲/۰۷)

عراق سرانجام استقلال خویش را به کف می آورد لیکن روسیاهی برای ذغال‌های احزاب رویزیونیست عراقی و ایرانی و امثالهم باقی خواهد ماند. اینک به سند زیر توجه کنید.

* * * * *

رهبری حزب کمونیست عراق و بازار بورس نیویورک و لندن (۱)

سعادت خیری *

همسر یکی از رهبران قدیمی و اولیه حزب کمونیست عراق

برگردان احمد مزارعی

منبع سایت قاسیون

kassioun.net

برگرفته از سایت ضد تجاوز نظامی و ضد تحریم اقتصادی علیه ایران

<http://jenhezdetajavoz.blogspot.com>

وای بر خودفروشانی که حزب شهیدان، "حزب کمونیست عراق" را تبدیل به کالای ارزانی در بازار بورس نیویورک و لندن نموده‌اند. تاریخ عراق و ملت عراق حکم خود را برای خیانت پیشگان به وطن و ملت صرفنظر از وابستگی‌های سیاسی - اجتماعی و طبقاتی آنان صادر کرده است، زیرا آنان پشت به این سرزمین نمودند. در گذشته نیز ملت قهرمان عراق این حکم را در مورد "نوری سعید" که طی قراردادی ضد ملی مشابه قرارداد فعلی، منابع طبیعی و ثروت عراق را در اختیار استعمار انگلیس نهاده بود، به اجرا درآورد. رهبران کنونی فاسد و فرصت طلب "حزب کمونیست عراق" که به ناحق رهبری این حزب را غصب نموده‌اند، نه فقط از نوع همان "نوری سعید"‌ها هستند، بلکه خیانت آنان دو چندان بیشتر از اوست، خیانت به طبقه کارگر، خیانت به اصول میهن دوستی و اصول حزب و زیر پا گذاشتن همه معیارهای انسانی. رهبران کنونی حزب کمونیست عراق، همپای بقیه رهبران سیاسی دیگر عراق، با امضای قرارداد ننگین و استعماری با آمریکا، موجب تسلط امپریالیسم آمریکا بر ملت عراق، غارت ثروت‌های ملی و تبدیل سرزمین ما به پایگاه‌هایی برای تجاوز به همسایگان ما و در نتیجه تقویت و نفوذ

آمریکا در منطقه شده‌اند. گرچه ماتریالیسم تاریخی وسیر تکاملی جامعه، حکم بر پیشروی نیروهای مردمی و میهن دوست به سوی برقراری نظامی عادلانه و دمکراتیک می‌دهد و این روند توقف ناپذیر می‌باشد، از سوی دیگر نیروهای ارتجاعی سلطه‌گر و هم پیمانانشان نیز از پای ننشسته و می‌کوشند سلطه ارتجاعی خود بر بشریت مترقی را تحمیل نمایند. در این میان، در حالی که بسیاری از احزاب مردمی در جهان با روند استیلا ارتجاع و امپریالیسم جهانی به مبارزه مشغول بوده و هستند، اما در عین حال برخی احزاب سیاسی که در گذشته جان بر کف با ارتجاع و امپریالیسم جنگیده‌اند، اینک توسط رهبری مزدورشان به دامان آنها غلتیده و از مردم خود بریده‌اند. رهبریت حزب کمونیست عراق اینک در زمره چنین نیروهائی قرار دارند. (۲) شرکت این رهبران در پروسه امپریالیستی برای به استعمار کشیدن ملت ما، ضربه سختی به تاریخ مبارزاتی زحمتکشان کشور ما عراق وارد آورده است. "حزب کمونیست عراق" اولین شهید خود را در دسامبر سال ۱۹۴۸، در جهت مبارزه با قرارداد استعماری "پورتسموث" تقدیم ملت عراق کرد و با مبارزات مداوم خود به همراه سایر نیروهای میهن دوست توانست این قرارداد استعماری را که انگلستان اصرار زیادی بر تحمیل آن داشت، به شکست برساند. رهبر کنونی "حزب کمونیست عراق" با اعمال ضد میهنی و ضد مردمی خود در همکاری با اشغالگران آمریکایی- انگلیسی، در حقیقت راه مبارزات گذشته شهدای حزب و در رأس آنان رفقا "فهد"، "حازم" و "صارم" را مورد توهین قرار داده است، زیرا آنان با استقامت قهرمانانه خود توانستند توطئه شوم استعماری انگلستان را با شکست مواجه کنند. آنان برای سرفرازی ملت عراق و برقراری آزادی و عدالت اجتماعی شجاعانه بر بالای چوبه‌های دار رفتند و این پیام را برای زحمتکشان فرستادند که کمونیست‌ها از مرگ قوی‌تر و از چوبه‌دار سرفرازترند. حزب کمونیست عراق به راه شرفتمندان خود برای سرفرازی زحمتکشان ادامه داد و در این راه هزاران شهید تقدیم راه آزادی نمود. بدون شک در آینده‌ای نزدیک، ملت عراق در همپائی با دیگر نیروهای ضد امپریالیست و مردمی عراق موفق خواهند شد این توطئه شوم را هم با شکست روبرو سازند.

پانویس:

(۱) - "شوکت خزنه دار"، عضو سابق کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، با نقل قول از مصاحبه "محمود عثمان"، سیاستمدار کرد عراقی با تلویزیون ANN در پاریس، در مورد "حمید مجید موسی"، رهبر کنونی "حزب کمونیست عراق"، چنین می‌نویسد: محمود عثمان:

«.... من آن زمان در یکی از دفاتر پنتاگون در واشنگتن حضور داشته و قراردادهای مربوطه به سرنگونی رژیم صدام را امضا می‌نمودم. هنگامی که از اتاق بیرون آمدم "حمید مجید موسی"، رئیس حزب کمونیست عراق را دیدم که بر روی یک صندلی بیرون اتاق به انتظار نشسته بود. وی با دیدن من دست و پای خود را گم کرد، کیف و کاغذ از دستش به زمین افتاد. من با خنده به او گفتم: "برادر حمید ناراحت نباش، همه ما در یک قایق نشسته‌ایم. "شوکت خزنه دار" در بخشی دیگری از نوشته خود به این اشاره دارد که رهبری حزب کمونیست عراق به تحریم اقتصادی بر علیه کشور خود رأی مثبت داد. این مصوبه به دستور آمریکا در سازمان ملل به تصویب رسید و طی آن قرار شد که در مقابل فروش نفت، فقط غذا به عراق صادر شود و همه ما می‌دانیم که این قرار داد موجب کشته شدن ۷۵۰۰۰۰ کودک عراقی گردید. در حقیقت این یکی از توطئه‌های بزرگ آمریکا و انگلیس برای به زانو درآوردن کشور عراق و زمینه اشغال بعدی این کشور بود. شوکت خزنه دار می‌افزاید که "مجید موسی" حمله ارتش عراق به فلوجه را نیز تائید نمود با این توجیه که برای حفظ سلامت بدن می‌توان عضوی را با جراحی از بدن قطع کرد. "مجید موسی" با این توجیه تبه‌کارانه، کشتار ۴۰۰۰ نفر از مردم بی دفاع فلوجه را تائید نمود.

(۲) - احزاب کمونیست کشورهای مصر، لبنان، اردن و فلسطین طی اطلاعیه مشترکی مخالفت خود را با شرکت حزب کمونیست عراق در مجلس حکومتی زیر نظر پل برمر اعلام داشته و آن را عملی مغایر با اهداف سوسیالیسم و آزادی زحمتکشان دانستند.

* - سعاد خیری، همسر زکی خیری، یکی از بنیانگزاران و رهبران اولیه حزب کمونیست عراق و از مبارزان خستگی ناپذیر زحمتکشان عراق بوده است. سعاد خیری هم اکنون بطور خستگی ناپذیر راه همسر خود را ادامه داده و از فعالین جنبش زنان عراق است.

ما خواهان خروج فوری و بی قید و شرط قوای اشغالگر از خاک عراق هستیم

اعلامیه کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری بالکان در مورد اعتراضات مردم یونان تتها پاسخ به قتل‌های پلیسی، مبارزه یکپارچه است!



بار دیگر دمکراسی بورژوائی چهره واقعی خویش را در یونان به نمایش گذاشت. در روز ۶ دسامبر، الکساندر ۱۶ ساله توسط پلیس در آتن به قتل رسید. این قتل مبین آنست که بورژوازی نه تنها به آزادی و حقوق دمکراتیک هجوم می برد بلکه از قتل فرزندان مردم در روز روشن در وسط خیابان‌ها هم دست بردار نیست. به همراه تعمیق بحران اقتصادی، سرکوب کارگران و زحمتکشان به اشکال گوناگون سیر صعودی به خود خواهد گرفت. علیرغم همه سرکوب‌ها، مردم شجاع یونان در مقابل قتل الکساندر توسط پلیس سکوت نکردند و جنبش چپ یونان سریعاً و به طور رزمنده به آن پاسخ داد. حرکتهای اعتراضی سراسر یونان را فرا گرفت، توده‌های زحمتکش و جوانان ضد فاشیست شجاعانه به خیابان‌ها ریختند و ساختمان‌های دولتی و مرکز پلیس را مورد هجوم قرار دادند، دانشگاه‌ها را اشغال نمودند و استعفای حکومت را خواستار شدند. اکثر مدارس برای مدتی تعطیل بودند. دولت یونان با یک بحران سیاسی و اجتماعی و اقتصادی روبرو شده و امکان اعلان حالت اضطراری در کشور را مورد بررسی قرار میدهد.

نقض حقوق دمکراتیک تا قتل خیابانی توسط پلیس نه تنها در یونان بلکه در کشورهای دیگر بالکان مانند ترکیه ادامه دارد. پس از آن که با اصلاحات قانون "اختیارات و وظائف پلیس" در ژوئن ۲۰۰۷ به پلیس اختیارات نامحدود برای کشتن داده شد قتل‌های زنجیره‌ای و صدمات پلیسی در ترکیه به شدت رو به افزایش داشته است. ما کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری بالکان همبستگی کامل خود را با مردم یونان که به طور رزمنده دست به مقاومت بر علیه ترور پلیسی زده‌اند ابراز میداریم. ما ترور جوان یونانی در آتن توسط پلیس را محکوم میکنیم و تقاضای محاکمه مسئولین این قتل را داریم.

ما همه نیروهای مترقی، ضد امپریالیست، انقلابی و کمونیست را فرا میخوانیم که علیه این عمل جنایتکارانه و خودسرانه اعتراض کنند و در مقابل سفارت یونان در کشور محل زندگی خود آکسیون اعتراضی ترتیب دهند و همبستگی خود را با مردم یونان که بر علیه جنایات دولت سرمایه‌داری خود دست به مقاومت زده‌اند ابراز دارند.

کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری بالکان

کمیته هماهنگی

دسامبر ۲۰۰۸

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

گزارشی از مراسم دهمین سال خاموشی رفیق فروتن



یادبود دهمین سالگرد درگذشت رفیق دکتر غلامحسین فروتن را توفان نمی توانست تنها با درج مقاله‌ای در ارگانش برگزار کند. رفیق فروتن شخصیتی در جنبش کمونیستی ایران بود که به جرأت میتوان گفت که بدون او این جنبش عظیم سال‌های ۱۳۳۲ تا به امروز و تربیت نسلی که آرمانش طبقه کارگر بود ممکن نمی بود. او از اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران، مسئول مجله دنیا و از بنیانگذاران سازمان مارکسیستی-لنینیستی «توفان» بود.

از اینرو بود که حزب ما بر آن شد، تا مراسم یادبود دهمین سال از دست دادن این رفیق ارزشمند را هرچه باشکوه تر برگزار کند. در ماه دسامبر سال جاری حزب شب یادبود را در یکی از شهرهای آلمان برگزار کرد. حضور عده بسیاری از ایرانیان در این مراسم باشکوه، نشان از پابندی به یک آرمان بود. یادبود غلامحسین فروتن نمادی بود برای تجدید عهد برای دفاع از رنجبران و برای مبارزه با شب پرستان. شب فروتن با یک دقیقه سکوت آغاز شد. سکوتی کوتاه، تا شرکت کنندگان در این فرصت کوتاه، یک بار دیگر نه فقط یاد فروتن که یاد دهها هزار فروتن دیگر را که جانشان را برای رهائی و آرمان‌های طبقه کارگر دادند، گرامی دارند.

در ماه دسامبر سال جاری حزب شب یادبود را در یکی از شهرهای آلمان برگزار کرد. حضور عده بسیاری از ایرانیان در این مراسم باشکوه، نشان از پابندی به یک آرمان بود. یادبود غلامحسین فروتن نمادی بود برای تجدید عهد برای دفاع از رنجبران و برای مبارزه با شب پرستان. شب فروتن با یک دقیقه سکوت آغاز شد. سکوتی کوتاه، تا شرکت کنندگان در این فرصت کوتاه، یک بار دیگر نه فقط یاد فروتن که یاد دهها هزار فروتن دیگر را که جانشان را برای رهائی و آرمان‌های طبقه کارگر دادند، گرامی دارند.

رفیق فروتن به موسیقی عشق می ورزید. پس جا داشت که در یادبودش ترانه‌های مورد علاقه‌اش طنین انداز شوند. این نغمه‌های زیبا را سیما و اسکندرابادی چه جانانه اجرا کردند. اجرای ترانه جاودانی «مرا ببوس» که یادگاری از افسران توده‌ای است، شرکت کنندگان را چنان به وجد آورد، که همخوانی آنان دیگر صدای زیبای سیما را به گوش‌ها نمی رسانید.

رفیق فروتن نقش تعیین کننده‌ای در فرار ده تن از سران حزب توده از زندان‌های مخوف شاه داشت. رفیق احمد قاسمی جریان این فرار را با قلم توانایش سال‌ها پیش به رشته تحریر درآورده بود. چکیده‌ای از «فرار» برای حضار خوانده شد. مدیریت خارج از زندان فرار با فروتن بود. هزینه آن را «آرسن آوانسیان» نگهبان کلپ حزب با پس انداز یک عمرش متقبل شد. سال‌ها بعد زمانی که زندانبان آرسن در شب اعدامش از او می خواهد تا اگر خواسته‌ای دارد، بگوید، آرسن می‌گوید: اگر گذرت به کلپ حزب افتاد به نگهبان آن بگو که آرسن سلام رساند! در قسمتی دیگر بخش‌هایی از زندگی مبارزاتی رفیق فروتن توسط یکی از رفقای قدیمی حزب ارائه گردید. مبارزات درخشان و جسورانه وی علیه رویزیونیسم خروشچفی به سمع حضار رسید. ایستادگی رفقای سه گانه در آن زمان بر علیه رویزیونیسم در کشور شوراهای، که با از خودگذشتگی غیرقابل توصیفی همراه بود، بدون اغراق عاملی

بود که پرچم جنبش کمونیستی بتواند امروز نیز هم چنان در حال اهتزاز باشد. رفیق فروتن بعدها در مقابل رویونیسم سه دنیائی چین نیز قد برافراشت و پرچمدار پاکیزگی مارکسیسم-لنینیسم بود. آن چه که در این مراسم چشمگیر بود، شرکت عده زیادی از ملیت‌های مختلف ایران و نیز اقلیت‌های مذهبی در آن بود. از گوشه‌ای کردی، از گوشه‌ای دیگر آذری و ... به گوش می خورد. ارمنی و بهائی در شب یادبود بودند. آن شب نشان داد که تبلیغات شوونیست‌های فارس و کرد و آذری و ... محلی از اعراب ندارد. همه شرکت کنندگان یک چیز می خواستند: مبارزه بر علیه امپریالیسم و سرمایه داری - آزادی طبقه کارگر و سرنگونی جمهوری اسلامی. همخوانی سرود انترناسیونال آن شب باشکوه را پایان داد.

* * * * *

ماهنامه توفان ارگان مرکزی حزب کار ایران را بخوانید!

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پاره‌ای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین

دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!